

روسیه، بریکس و تاثیر گذاری بر ساختار نظام بین الملل

محمدعلی شیرخانی^۱

محسن چیت ساز^۲

تقویت روزافزون کشورهای بریکس طی دهه‌های جاری و شکل‌گیری این مجموعه در ده سال گذشته با توجه به قابلیت‌های راهبردی، سیاسی و اقتصادی این گروه، امکان تغییر ساختار نظام بین‌المللی را به طور جدی مطرح کرده است. در این میان، بررسی اهداف روسیه در شکل‌گیری این مجموعه و روند تحولات آن طی سال‌های تشکیل بریکس به سبب نقش کلیدی این کشور در ایجاد گروه بریکس و نسبت آن با نظام کنونی بین‌المللی شایان توجه ویژه است. سوال اصلی مقاله آن است که آیا تاثیرگذاری بریکس بر نظام بین‌الملل با هدف تغییر نظم موجود دنبال می‌شود؟ در پاسخ به این سوال فرضیه مقاله این است که مجموعه بریکس از طریق هم‌افزایی میان اعضای خود و تاثیرگذاری بر ساختار کنونی قدرت در نظام بین‌المللی در جهت تعدیل نظم موجود است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد، برآیند اهداف بریکس با اهداف روسیه به عنوان یکی از اصلی‌ترین اعضای بریکس با وجود تفاوت‌های موجود میان این کشور و سایر اعضا هم‌راستا و در جهت تحقق بخشیدن به تعدد کانون‌های چندگانه قدرت در سطح جهانی است. روش نگارش استفاده توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: بریکس، روسیه، نظام بین‌الملل و گذار قدرت.

Email:shirkhani@ut.ac.ir

^۱ . استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ . نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email:mohsaz41@gmail.com

- این مقاله علمی - پژوهشی می‌باشد. تاریخ دریافت ۹۹/۵/۲۴ و تاریخ پذیرش ۹۹/۷/۱۴

مقدمه

پس از طی دوره‌ای کوتاه از پایان جنگ سرد که آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت موجود در راس نظم حاکم بر نظام بین‌المللی قرار گرفته بود از اوسط دهه نخست قرن بیست و یکم میلادی به سبب افزایش قدرت تعدادی از کشورهای بزرگ نظیر چین و هند و سربرآوردن دوباره روسیه، نظم تک قطبی مسلط به چالش کشیده شده است. در میان تشکلهای و قدرت‌های نوظهور برآمده در دهه‌های اخیر، شکل‌گیری مجموعه بریکس^۱ با توجه به ظرفیت‌های چندبعدی این مجموعه به لحاظ توان اقتصادی، سیاسی، نظامی و فراگیری آن در سطح جهان موضوعی است که به لحاظ چگونگی تاثیرگذاری این گروه بر نظم موجود، مورد توجه محافل اکادمیک و تصمیم‌گیری در سطح بین‌المللی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، تقویت روزافزون کشورهای بریکس طی دهه‌های جاری و شکل‌گیری این مجموعه در ده سال گذشته زمینه مساعدی را برای تاثیرگذاری اساسی بر ساختار نظام بین‌المللی در جهت تعدیل آن فراهم آورده است.

از سال ۲۰۰۹ که سران برزیل- روسیه- هند و چین گردهم آمده و مجموعه بریک^۲ را به وجود آوردند و سایر کشورها را به یک نظم جهانی دمکراتیک‌تر، چندقطبی‌تر و مبتنی بر قواعد بین‌المللی، مسئولیت‌پذیری، همکاری و عملکرد هماهنگ و نیز تصمیم‌گیری مشترک و به نفع تمام ملت‌ها، فراخواندند (BRIC Joint Summit Statement, 2009) این گروه تاکنون مجموعاً دوازده نشست در سطح سران برگزار کرده است.

کشورهای بریکس در مواضع خود گفته‌اند که تلاش می‌کنند، حول دو محور
 ۱. هماهنگی در مجامع بین‌المللی با تاکید بر حکمرانی اقتصادی و سیاسی و ۲. همکاری میان
 اعضاء به اجماع دست یابند. در این راستا، آنان کوشیده‌اند بر تجدید ساختار حاکمیت جهانی
 به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و مالی در مجامع و سازمانهایی نظیر گروه ۲۰^۳، صندوق
 بین‌المللی پول^۴، بانک جهانی^۵ تاکید نمایند.

۱. BRICS

۲. BRIC

۳. G20

۴. International Monetary Fund

۵. World Bank

از سوی دیگر، روسیه در تشکیل مجموعه بریکس نقش کلیدی داشته است. بنابراین اهداف روسیه در شکل‌گیری این مجموعه و تاثیر این امر بر مواضع این کشور در قبال نظام بین‌المللی شایان توجه و بررسی است. ارزیابی اهداف و رفتار روسیه در قبال بریکس جزئی از موضوع بزرگتر جایگاه روسیه در برابر غرب و به طور گسترده‌تر در قبال نظام بین‌المللی است. در این زمینه منازعه‌ای میان تمایل به تعامل با نظام بین‌المللی و در همین حال حفظ کنترل کامل بر توسعه داخلی و هویت ملی وجود دارد (Salzman, 2015:4). این مساله با توجه به تمایل محقق نشده برای ایفای نقش رهبری در شکل‌دادن و مدیریت سیستمی که غرب در آن برجسته و روسیه چنین نیست، پیچیده‌تر شده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هویت ملی روسیه میان شناخته‌شدن به عنوان جزئی از غرب ایدئولوژیک و یا یک تمدن متمایز از غرب که به سبب جغرافیا و فرهنگ باید مسیر متمایز توسعه خود را بیاماید، در نوسان بوده است (Klieman, 2015). با روند تحولات نظام بین‌الملل در دو دهه اول قرن بیست و یکم، جایگاه غرب‌گرایان در سیاست خارجی روسیه تضعیف شده است و اوراسیاگرایان زمام امور را در سیاست خارجی روسیه به دست گرفته‌اند.

این مقاله درصدد بررسی تاثیر بریکس بر نظام بین‌الملل و هدف روسیه از عضویت در این مجموعه از منظر نظریه گذار قدرت^۱، است و تمرکز خود را بر کانونی شدن نظام بین‌المللی قرار داده است. چرا که در نگرش کانونی، نگرستن به بازیگران به عنوان قطب فراتر است و بازیگران به طور ذاتی لزوما مخالف و آنتی‌تزیکی دیگر تلقی نمی‌شوند؛ همچنین این مفهوم تنوع بیشتری برای بازیگران قائل می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، سوال اصلی این است که تاثیر بریکس بر نظم موجود چیست و آیا این تاثیرگذاری با هدف تغییر نظم موجود دنبال می‌شود؟ پاسخ اولیه این است که مجموعه بریکس از طریق هم‌افزایی میان اعضای خود و تاثیرگذاری بر ساختار کنونی قدرت در نظام بین‌المللی درصدد تعدیل نظم کنونی به نظم چندکانونی است. از سوی دیگر، هدف روسیه از تشکیل بریکس شایان توجه و تعمق است. اگرچه هم‌زمان با متفکران روس، مراکز تحقیقاتی برزیل هم مطالعه پیرامون این موضوع را مورد توجه داشتند، اما این روسیه بود که با جدیت طرح بریکس را به پیش می‌برد (Salzman, 2015:3). مشهودترین حرکت و اقدام در این زمینه ابتکار پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در گردآوری وزرای خارجه بریک در حاشیه اجلاس مجمع عمومی در سال ۲۰۰۶ بود. پیشنهاد برگزاری اجلاس سران بریک هم از سوی روسیه بود و نخستین نشست سران

^۱. Power Transition Theory

در ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ^۱ برگزار شد (Stuenkel, 2014a:91). دیپلماسی روسیه در مورد بریکس را باید در یک چنین پس زمینه‌ای فهم کرد (Salzman, 2019:18).

با توجه به توضیحات بالا سوال فرعی این است که چرا بریکس برای سیاست خارجی روسیه واجد اهمیت است؟ پاسخ اولیه به سوال فرعی هم این است که با توجه به عدم رضایت روسیه از جایگاه خود پس از جنگ سرد، عضویت این کشور در بریکس برای بازیابی نقش آن به عنوان یک قدرت تاثیرگذار در عرصه بین‌المللی و تبدیل شدن به یکی از کانون‌های قدرت بوده است. از این منظر گروه بریکس برای روسیه واجد اهمیت است. بنابراین چرایی اهمیت بریکس برای سیاست خارجی روسیه با بررسی مواضع این کشور از ابتدای تشکیل این مجموعه تاکنون قابل پاسخگویی خواهد بود. در این راستا، اهداف و مقاصد که این کشور در بریکس دنبال کرده است و تحولاتی که این مواضع از بدو تشکیل بریکس تاکنون داشته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع فضای مجازی و کتابخانه‌ای شامل اسناد بریکس و داده‌های معتبر بین‌المللی و مقالات مربوط به این گروه و نقش روسیه در بریکس تهیه شده است.

چارچوب نظری، بیش از ۶۰ سال پیش نظریه گذار قدرت از سوی کنت ارگانسکی^۲ عرضه شد. انتقال قدرت در تفسیر وی به افزایش قابل توجه قدرت ملی یک کشور بزرگ به سبب توسعه اقتصادی و در نتیجه این امر، رشد موقعیت و جایگاه مسلط آن در نظام بین‌المللی اشاره داشت (Kugler and Organski, 1981). اگرچه به سبب تمرکز بر روابط قدرت عموماً این نظریه را به عنوان زیرمجموعه‌ای از مکتب واقع‌گرایی قرارداده‌اند، اما به لحاظ روش‌شناسی و محتوای مفهومی آن به میزان قابل توجهی با کلیت مکتب واقع‌گرایی تفاوت دارد (DiCicco and Levy, 1999).

مطابق با منطق نظریه‌گذار قدرت، مادامی که قدرت مسلط بر نظام حاکم تسلط دارد، صلح برقرار خواهد بود. بنابراین این موازنه قوا نیست که سبب برقراری صلح در سیستم می‌شود و از بروز جنگ جلوگیری می‌کند، بلکه تسلط یک قدرت قاهر موجب حکم فرما بودن صلح و آرامش است. با اینکه سلسله مراتب بین‌المللی و منطقه‌ای طی زمان دچار تحول

^۱. Yekatrinnburg

^۲. Kenneth Organski

می‌شود، باثبات‌ترین سیستم زمانی است که یک قدرت مسلط که ائتلافی متشکل از متحدین مهم و راضی از نظم حاکم از او حمایت می‌کنند، در راس نظام قرار دارد.

از منظر نظریه‌پردازان اصلی این نظریه قدرت و رضایت اجزای کلیدی نظریه گذار قدرت هستند (Tammen, Kugler and Lemke, 2011:3). در نظریه گذار قدرت، نظام بین الملل توسط یک قدرت مسلط شکل می‌گیرد. در مقاطعی که یک قدرت در حال صعود بر قدرت مسلط حاکم سبقت می‌جوید، گذار قدرت نامیده می‌شود. این گذار در شرایطی که قدرت صعود کننده از نظم جهانی راضی است، مانند سبقت جستن آمریکا از بریتانیا می‌تواند، صلح آمیز باشد. در غیر این صورت یعنی در صورت عدم رضایت قدرت سبقت جوینده از نظم موجود، جنگ در می‌گیرد. همانطور که گفته شد، مفاهیم کلیدی در این نظریه شامل قدرت^۱ و رضایت^۲ است.

این نظریه، همانند سایر واقع‌گرایان از مفهوم قدرت برای تبیین چگونگی ساماندهی ساختارهای جهانی و منطقه‌ای استفاده می‌کند. ارگانسکی برای اندازه‌گیری قدرت، ابتدا عناصر اقتصاد، جمعیت و سیاست را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌داد. اما در چند مرحله جمعیت بهره‌وری و عملکرد سیاسی به عنوان معیارهای سنجش قدرت مورد استفاده قرار گرفت (Arbetman and Kugler, 1997; Kugler and Tammen, 2001). عملکرد سیاسی با اندازه‌گیری ظرفیت منابع یک دولت و توزیع آن در میان جمعیت کشور، استفاده و تخصیص بهینه منابع عمومی برای پیشبرد رشد ملی مورد سنجش قرار می‌گیرد (Tammen, Kugler and Lemke, 2011:5). مفهوم‌سازی قدرت در نظریه گذار قدرت در بحبوحه جنگ سرد، تعامل میان جمعیت بهره‌وری اقتصادی و عملکرد سیاسی را مورد توجه قرار داده بود به همین سبب هم در دهه ۶۰ میلادی، ارگانسکی مبدع این نظریه پیش‌بینی کرد در دراز مدت چین و نه اتحاد جماهیر شوروی بر آمریکا پیشی خواهد گرفت. اگر مقوله‌های اصلی گذار قدرت را با شرایط امروز بخواهیم منطبق کنیم، شاید بتوان شاخص‌های اقتصادی شامل تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان رکنی برای جذب توامان فناوری در کنار سرمایه؛ شاخص‌های نظامی شامل توان، نیرو، فناوری و تجهیزات نظامی؛ شاخص‌های کلیدی پایه شامل جمعیت، سرزمین و منابع را بتوان برای کشورهای این

1. Power

2. Satisfaction

مجموعه درکنار قدرت های درحال افول ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن در نظر گرفت (Lemke and Kugler, 2017:7).

از طرفی، نظریه گذار قدرت بر نرخ رشد متفاوت^۱ کشورها، متمرکز می‌گردد. در کلیه ادوار بعضی از کشورها در حال کسب قدرت هستند، برخی در حال از دست دادن آن و پاره‌ای در حال انتظار قرار دارند. این پدیده یعنی تغییر نسبی در میزان قدرت است که روابط جدید میان کشورها و پدید آمدن واحدهای سیاسی و اقتصادی جدید را شکل می‌دهد. یکی از پیامدهای جانبی تفاوت نرخ رشد، ایجاد شرایط بالقوه برای درگیری و منازعه در هنگامی است که یک چالشگر و قدرت مسلط به برابری نسبی قدرت می‌رسند. به ویژه زمانی که چالشگر از وضع موجود ناراضی است (Kugler and Organski, 1981:12).

رضایت، یکی دیگر از مفاهیم اصلی نظریه گذار قدرت، است. به طور کلی هر کشور به میزان رضایت از نظم بین‌المللی حاکم و موقعیت خود در نظام بین‌المللی مستقر، نسبت خود را با نظام و قدرت مسلط بر آن تعیین می‌کند. هرچقدر یک کشور از نظم مستقر راضی‌تر باشد به همان نسبت رابطه نزدیک‌تری را با قدرت مسلط در نظام برقرار می‌کند. از طریق مفهوم رضایت این نظریه میان مفاهیم آنارشی و همکاری با ارزیابی میزان اعتماد، پیوند برقرار می‌کند. درباره معیارهای رضایت هنوز بحث‌هایی در جریان است تا بر مبنای آنها معیارهای دقیق‌تری را برای تشخیص رضایت دولت از نظم حاکم بر نظام بین‌المللی تعیین کنند. اتحادها و موسساتی که کشورها عضو آن هستند، ساختار نیروی نظامی و تسلیحات مورد استفاده و میزان آمادگی برای درگیری و اتحادهای نظامی، عنصر امنیت در اتحاد از جمله مواردی است که طی دو دهه گذشته برای تشخیص میزان رضایت از سیستم بین‌المللی توسط پژوهشگران مورد استفاده قرار گرفته است (Tammen, Kugler and Lemke, 2011:5-7).

کشورهای راضی از وضع موجود به طور مداوم از اجزای اصلی نظم حاکم بر نظام حمایت می‌کنند. البته مشخص است که این رضایت در همه اوقات و مقاطع جنبه یکسانی ندارد. هرچه زمینه‌های توافق بیشتر باشد، کشورهای طرفدار نظم موجود از نظام و یکدیگر بیشتر رضایت دارند و سطح همکاری میان کشورها با نزدیکی یا عدم نزدیکی مواضع با وضع موجود نسبت مستقیم دارد. از دهه ۹۰ میلادی به بعد، تلاش‌هایی در جهت عملیاتی کردن مفهوم رضایت انجام شده است و معیارهایی این مفهوم مراحل توسعه خود را می‌گذراند.

^۱. Different Growth Rate

شاخص‌های مزبور تاکنون به طور عمده مواردی را در برمی‌گیرند؛^۱ شباهت در پورتفولیوی اتحاد (Kim and Maru, 1992)؛ نوع حکومت داخلی (Lemke and Ridd, 1996)؛ میزان ایجاد زیرساخت‌های نظامی (Verner and Kugler, 1996)؛ رشد چشمگیر هزینه‌های نظامی (Lemke and Varner, 1996)؛ تجدیدنظرطلب بودن دولت مورد نظر و میزان خطیر بودن نارضایی دولت یا دولت‌های ناراضی از ناحیه قدرت مسلط (Hsiao-Chuan Liao, 2014).

آلیستر لیان جانستون^۲، ۵ شاخص دیگر را در دو رده بندی در این رابطه عرضه نموده است؛^۱ نوع مشارکت یک کشور در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی براساس سه معیار مشارکت ناکافی، مشارکت بدون پذیرش هنجارهای نهادی و حضور و پذیرش موقت با نیت تغییر قواعد در شرایطی که کشور مورد نظر توان این کار را داشته باشد؛^۲ تجدیدنظرطلبی که در حالت اول ترجیح و تمایل برای بازتوزیع رادیکال قدرت مادی در نظام بین‌المللی است. حالت دوم مبادرت به اقدام عملی برای تحقق بازتوزیع قدرت در سیستم بین‌المللی در صورت لزوم از طریق اقدام نظامی است (Johnston, 2003:11). رونالد تامن و جک کاگلر^۳، ۵ شاخص مادی وجود منازعه ارضی، اقدام به زیرساخت نظامی، مشارکت در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، وجود رقابت و اختلافات ایدئولوژیک و وجود الگوهای تعهدآور تجارت و همکاری را ملاک کار قرار داده‌اند (Tammen and Kugler, 2006:35-55).

۱. بریکس و نظریه گذار قدرت

همانطور که گفته شد، شاخص‌های قدرت از منظر نظریه‌گذار قدرت، شامل شاخص‌های اقتصادی شامل تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان رکنی برای جذب توامان فناوری در کنار سرمایه؛ شاخص‌های نظامی شامل توان، نیرو، فناوری و تجهیزات نظامی، مخارج نظامی، صادرات اقلام نظامی؛ شاخص‌های کلیدی پایه شامل جمعیت، سرزمین و منابع می‌شود. از نظر شاخص‌های اقتصادی مهم‌ترین شاخص تولید ناخالص داخلی^۴ است. با سنجش این معیار به دو شیوه اسمی و

¹ Portfolio

² Alastair Lain Johnston

³ Ronold Tammen and Jacek Kugler

⁴ Gross Domestic Product (GDP)

برحسب قدرت خرید، جایگاه کشورهای بریکس در میان کشورهای جهان بدین شرح است. در سال ۲۰۲۰، چین با ۱۴,۱ تریلیون دلار به لحاظ تولید ناخالص اسمی در رده دوم و با ۲۷,۳ تریلیون دلار از برحسب قدرت خرید در رده اول قرار داشته است. هند با حدود ۳ تریلیون دلار به لحاظ تولید ناخالص اسمی و ۱۰,۵ تریلیون دلار از نظر شاخص قدرت خرید در رده پنجم جهان است. برزیل با ۱,۸۵ تریلیون دلار از نظر تولید ناخالص اسمی ۳,۳۷ تریلیون دلار از نظر شاخص قدرت خرید در رده نهم جهان بوده‌اند. روسیه هم با ۱,۶۴ تریلیون دلار به لحاظ اسمی و ۴,۲۱ تریلیون دلار از نظر شاخص قدرت خرید در رده ۱۱ جهان بوده است (Investopedia, 2020).

به لحاظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که یکی از دیگر از شاخص‌های مهم اقتصادی برای سنجش قدرت نسبی کشورها محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۸ چین با ۱۳۹ میلیارد دلار جذب سرمایه پس از آمریکا و اتحادیه اروپا در رده سوم قرار داشته است. برزیل با جذب ۶۱ میلیارد دلار در رده چهارم و هند با جذب ۴۱ میلیارد دلار در رده هفتم جهانی قرار داشته‌اند. روسیه در این رده بندی با ۱۳ میلیارد دلار جذب سرمایه در رده بیستم قرار داشته است. اگر کشورهای اتحادیه اروپا را جداگانه در نظر بگیریم چین پس از آمریکا در رده دوم، برزیل در رده ششم، هند در رده نهم و روسیه در رده پانزدهم بوده‌اند (UNCTAD, 2019).

در زمینه شاخص‌های توان نظامی، براساس آمار منتشر شده از سوی موسسه "صلح استکهلم"^۱ از نظر صادرات اقلام نظامی، روسیه با ۲۱ درصد در رده دوم و چین با ۵,۵ درصد از کل صادرات نظامی انجام شده در رده سوم جهان قرار داشته‌اند. از این منظر، هند و برزیل و آفریقای جنوبی جایگاه قابل توجهی نداشته‌اند. بر مبنای آمار همین موسسه به لحاظ مخارج و هزینه های نظامی، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ چین، هند و روسیه پس از آمریکا و اتحادیه اروپا به ترتیب بیشترین هزینه نظامی را داشته‌اند. ارقام مخارج نظامی کشورهای چین، هند و روسیه به ترتیب ۲۵۰، ۶۶,۵ و ۶۱,۴ میلیارد دلار بوده است (SIPRI Yearbook, 2020).

به لحاظ جمعیت، کشورهای مجموعه بریکس به جز آفریقای جنوبی در رده پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان قرار دارند. براساس آخرین آمار منتشر شده در سال ۲۰۲۰، چین با ۱۴۳۹ میلیون نفر و هند ۱۳۸۰ میلیون نفر در رده های اول و دوم جمعیت در میان

^۱. Stockholm International Peace Research Institute

کشورهای جهان قرار دارند. برزیل با ۲۱۲ میلیون نفر در رده ششم و روسیه با ۱۴۶ میلیون نفر در رده نهم دنیا قرار دارند (worldmeters, 2020). در واقع، چهار کشور یادشده در میان ۱۰ کشور اول جهان به لحاظ جمعیت قرار دارند.

به لحاظ مساحت روسیه با ۱۷ میلیون مترمربع مساحت در رده اول، چین با ۹,۵ میلیون مترمربع در رده چهارم، برزیل با ۸,۵ میلیون متر مربع در رده پنجم، هند با ۳,۳ میلیون متر مربع در رده هفتم قرار دارند. بدین ترتیب صرف نظر از آفریقای جنوبی، سایر کشورهای بریکس از نظر وسعت سرزمین در میان ده کشور نخست جهان هستند.

جدول (۱)، شاخص‌های کلیدی سنجش قدرت کشورهای بریکس، آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا^۱

شاخص‌های قدرت	چین	روسیه	هند	برزیل	آفریقای جنوبی	آمریکا	ژاپن	اتحادیه اروپا
مساحت سرزمین	۹/۶ میلیون کیلومتر مربع	۱۷ میلیون کیلومتر مربع	۳/۳ میلیون کیلومتر مربع	۸/۵۱۶ میلیون کیلومتر مربع	۱/۲۲ میلیون کیلومتر مربع	۹/۸۲ میلیون کیلومتر مربع	۳۷۸ هزار کیلومتر مربع	۴/۴۷۶ میلیون کیلومتر مربع
جمعیت	۱/۴۳۲ میلیارد	۱۴۵ میلیون	۱/۳۶۶ میلیارد	۲۱۱ میلیون	۵۸ میلیون	۳۲۸ میلیون	۱۲۶ میلیون	۷۴۷ میلیون
تولید ناخالص ملی	۱۴/۱۴ تریلیون دلار (IMF)	۱/۶ تریلیون دلار	۲/۹۷ تریلیون دلار	۱/۹۶ تریلیون دلار	۳۷۱ میلیارد دلار	۲۰/۵۸ تریلیون دلار	۵/۱۵ تریلیون دلار	۱۹/۱ تریلیون دلار
سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۱۲۹ میلیارد دلار	۱۳ میلیارد دلار	۴۲ میلیارد دلار	۶۱ میلیارد دلار	۵,۴ میلیارد دلار	۲۵۲ میلیارد دلار	۱۴,۵ میلیارد دلار	۲۱۵ میلیارد دلار
مخارج نظامی	۲۵۰ میلیارد دلار	۶۱,۴ میلیارد دلار	۶۶,۵ میلیارد دلار	۲۷,۸ میلیارد دلار	۴/۶ میلیارد دلار	۴۹ میلیارد دلار	۴۶,۶ میلیارد دلار	۲۶۶ میلیارد دلار
نسبت مخارج نظامی به تولید ناخالص داخلی	۲/۲ درصد	۴/۲ درصد	۲/۸ درصد	۲ درصد	۱/۳ درصد	۴/۷ درصد	۱ درصد	۱/۲ درصد
صادرات نظامی	۵/۵ درصد از کل جهان	۲۱ درصد	-	۱/۲ درصد	۰/۳ درصد	۳۶ درصد	-	۲۷ درصد ^۱
بودجه تحقیقاتی	۲/۱ درصد GDP	۰/۱۹۹ درصد	۰/۱۴۵ درصد	۱/۲۶ درصد	۰/۱۸۳ درصد	۲/۸۴ درصد	۳/۲۶ درصد	۲/۲۱ درصد

Source: UNCTAD-SIPRI, 2019

^۱ این آمار شامل مجموعه کشورهای اروپای غربی اعم از اتحادیه و غیر اتحادیه است.

در رابطه با شاخص رضایت در بریکس با توجه به معیارهایی که از سوی صاحبانظران ارائه شده است، بیش از هر چیز از تجمع‌ها و گروه‌بندی‌های تشکیل‌شده میان اعضاء بریکس و نوع تعامل آن با نهادهای بین‌المللی می‌توان، استفاده کرد. با توجه به تاکید بر اهمیت نوع موضع‌گیری مجموعه بریکس نسبت به نهادهای بین‌المللی و نیز با توجه به روند تکاملی نهادهای تاسیس‌شده از سوی بریکس به‌ویژه با تاکید بر بیانیه‌های پایانی، مفهوم رضایت از منظر بریکس مورد توجه قرار می‌گیرد.

اگر به سیاست خارجی چین به عنوان یکی از اصلی‌ترین اعضاء بریکس نگاه کنیم، در می‌یابیم این کشور بیشتر رویه‌ای اصلاح‌طلبانه و هماهنگ‌جویانه را با نظم موجود در پیش گرفته است. با در نظر گرفتن معیارهای فوق، مثلاً در مورد چین اینگونه برداشت می‌شود، رویه و مشی این کشور همراهی و مشارکت در نظام‌کنونی بین‌المللی بوده است (Raman, 2017: 16). در واقع، سایر کشورهای بریکس هم رویه مذکور را اتخاذ کرده‌اند. در این میان، روسیه قرار دارد که آن هم با وجود پاره‌ای مواضع تجدیدنظرطلبانه در نهایت در راستا نظم موجود حرکت می‌کند. با توجه به معیارهای مختلفی که در رابطه با رضایت و عدم رضایت برای یک دولت که می‌توان آنها را به چند دولت مثلاً در قبال مجموعه بریکس هم تسری داد از نحوه عملکرد و رفتار و مواضع کشورهای این گروه می‌توان، چنین نتیجه‌گیری کرد، آنها در مجموع موضعی اصلاحی و تعدیلی و نه تجدیدنظرطلبانه نسبت به نظام بین‌المللی موجود دارند. دلایلی که می‌توان به طور خلاصه برای این کار برشمرد به شرح زیر است:

۱. حضور در مجامع و نهادهای بین‌المللی نظام موجود، کلیه اعضاء بریکس عضو سازمان ملل متحد، نهادهای برتون وودز^۱، سازمان جهانی تجارت و نیز گروه ۲۰ هستند. آنها در چارچوب این گروه‌ها، مواضع خود را تا حد امکان هماهنگی می‌کنند، اما بعضاً مشی متفاوتی را برحسب نیازها و اولویت‌های خود اتخاذ می‌کنند. مثلاً هند و برزیل درصدد درآمدن به عضویت دائم شورای امنیت سازمان ملل به عنوان عالی‌ترین نهاد امنیتی بین‌المللی هستند. اما روسیه و چین که خود عضو دائم این شورا هستند با اینکه در بیانیه‌ها و مواضع از تقویت حضور آنها در سازمان ملل دفاع می‌کنند اما در مورد عضویت آنها در شورای امنیت اظهار نظر صریحی نمی‌کنند که به طور تلویحی به معنای عدم حمایت از این خواست هند و برزیل است (BRIC Summit Joint Statement, 2009, para 14; VII BRICS Summit...).

^۱ Bretton woods institutions

۲. اعضای بریکس به ویژه چین و روسیه از سوق یافتن نظام بین المللی به سوی چندجانبه گرایی حمایت می کنند و نگران دیکته شدن دستور کار بین المللی توسط گروه غرب هستند. در این مسیر آنها به دنبال کسب قدرت بیشتر در نظم موجود برای تاثیرگذاری حداکثری بر دستور کار جهانی هستند. مواضع آنها در بیانیه های اجلاس سران که همه ساله برگزار می شود و یکسان سازی مواضع در گروه ۲۰ نشان روشنی بر این مدعاست. مشخص است که گروه ۲۰ هم جزئی از نظم موجود است (Cao, 2020).

۳. بررسی مقوله رضایت در بیانیه های پایانی نشست های سران بریکس هم گویای آن است که این مجموعه با اینکه نقدهای جدی نسبت به پاره های از نهادهای مالی و اقتصادی بین المللی دارند و از منظر نمایندگی و سهمیه ای که با توجه به افزایش قدرت و توان شان می توانند در این نهادها داشته باشند، انتظار دارند در مدیریت این نهادها مشارکتی همپا و هم وزن حد و اندازه شان در اقتصاد و مالیه جهانی داشته باشند. با این حال آنها کلیت نظام بین المللی کنونی و ساختار حاکم بر این نظام را به طور کلی نفی نمی کنند. اشارات مکرر به ضرورت رعایت اصول مندرج در منشور ملل متحد، لزوم محور و مبنا قرار گرفتن سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن در موضوعات بین المللی از موارد مهمی است که در این راستا قابل ذکر می باشند^۱.

ذکر این نکته لازم است، تاکید بر اهمیت محوریت سازمان ملل و اجزاء آن از بیانیه نشست نخست سران در سال ۲۰۰۹ تا آخرین بیانیه در سال ۲۰۲۰ همچنان حفظ شده است و در تمامی سال هایی که از تشکیل بریکس می گذرد، هیچ بندی در بیانیه های پایانی و هیچ نکته ای در سایر مواضع کشورهای عضو بریکس که موید خواست آنها برای تغییر بنیادین نظام بین المللی موجود و نظم حاکم بر آن باشد، مشاهده نشده است (از جمله XII BRICS Summit Moscow Declaration, 2020: para3).

۴. یکی از موضوعات مهم و قابل توجه روابط تجاری و سرمایه گذاری مجموعه بریکس با یکدیگر و قیاس این روابط با کشورهای غیر بریکس است. از یک طرف، بیشتر سرمایه گذاری اعضای بریکس در روابط شان با کشورهای غربی است و سرمایه گذاری میان اعضای بریکس در قیاس با غرب به مراتب کمتر است. هیچ یک از اعضای بریکس در فهرست ۵ شریک اول

^۱ . بیانیه های پایانی نشست های سران بریکس در سال های مختلف، رضایت این مجموعه از نظم موجود بین المللی را به تصریح یا تلویحا نشان می دهد. برای نمونه می توان به موارد زیر رجوع کرد: بیانیه نشست اول سران، ۲۰۰۹، پاراگراف

۱۴؛ بیانیه نشست هفتم سران، پاراگراف ۴؛ بیانیه نشست یازدهم سران، پاراگراف ۶.

تجاری چین که قوی‌ترین عضو بریکس به لحاظ اقتصادی به شمار می‌رود، قرار ندارند. کلیه اعضای بریکس روابط تجاری مهمی با آمریکا و اتحادیه اروپا دارند (Globoledge, 2020). روابط مستحکم اقتصادی با کشورهای غربی یکی از دلایلی است که در اسناد و بیانیه‌های بریکس موضع‌گیری علیه طرف‌های ثالث مشاهده نمی‌شود و دقت شده است بریکس به عنوان یک بلوک ضد غرب معرفی نشود.

بنابراین به لحاظ روابط تجاری و سرمایه‌گذاری به واسطه رابطه و پیوندهای گسترده بازرگانی میان اعضای بریکس با کشورهای گروه غرب، تعامل بریکس در چارچوب نظم موجود قابل مشاهده است البته کشورهای مجموعه بریکس خواستار مشارکت متناسب با افزایش قدرت و جایگاهشان در عرصه اقتصادی بین‌المللی می‌باشند. به لحاظ سیاسی هم بیشتر اعضا در رویکرد خود در قبال نظام کنونی بین‌المللی، بیش از آنکه انقلابی^۱ باشند، تحول‌گرا^۲ هستند (Salzman, 2015:7). آنها در صدد شکل‌دادن مجدد نهادهای حکمرانی جهانی و داشتن نقش بیشتر در نهادهای موجود بین‌المللی هستند. معنی این امر در عمل این است که بریکس به همکاری غرب در دستیابی به اهدافش نیاز دارد. از این منظر ضد غرب‌گرایی آشکار برای اهداف بریکس غیرسازنده است (Tolorya, 2018:204).

باتوجه به آنچه گذشت، کشورهای بریکس بیش از اینکه بخواهند تجدیدنظر تلقی شوند و نسبت به وضع موجود نظام بین‌الملل ناراضی شمرده شوند، در مواضع و عمل، مشی اصلاح طلبانه، تعدیلی و همراه با نظام موجود را در پیش گرفته‌اند. بنابراین گزاره رضایت در نظریه گذار قدرت در مورد بریکس با جرح و تعدیل و اصلاحات و با در نظر گرفتن ملاحظاتی که در بالا به آنها اشاره شد، قابل اعمال است.

۲. نظریه گذار قدرت و روسیه

ژئوپلیتیک سرزمینی کانون و هسته رشد روسیه را تشکیل می‌دهد. در بحث پیرامون سیاست خارجی روسیه در کنار موارد دیگر باید عواملی همچون ویژگی‌های ژئوپلیتیک این کشور و جایگاه عنصر هویت در سیاست خارجی آن در نظر گرفته شود. از چشم‌انداز جغرافیای سیاسی، واقعیت این است که شاید هیچ کشوری در جهان به اندازه روسیه، در

^۱. Revolutionary

^۲. Evolutionary

سمت گیری سیاست خارجی خود وابسته به ژئوپلیتیک نبوده است. چه در دوران اتحاد جماهیر شوروی و چه پس از جنگ سرد و نیز در قرن بیست و یکم، زمامداران روسیه ملزم به رعایت ملاحظات ژئوپلیتیک در تصمیمات و محاسبات خود هستند (Osipian, 2013).

یکی از عمده ترین تحولات ژئوپلیتیک برای روسیه طی دهه های اخیر تشکیل سازمان همکاری شانگهای به همراه چین است که با پیوستن هند به آن به عنوان یک قدرت نوظهور دیگر، عقبه ژئوپلیتیک روسیه را تحکیم بخشیده است (Tian, 2018). در مقوله هویت روسیه و نقش آن در جهان به مدت دست کم یک قرن و نیم، مباحث بر روابط و تعامل روسیه با غرب متمرکز بوده است. در سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ این تمرکز تغییر کرد. در این دوره، وابستگی سیاست خارجی روسیه به تعاریف از هویت این کشور کمرنگ شد و تمرکز بر تحول نظام بین الملل جای آن را گرفت و نگاه ژئوپلیتیک گسترش بیشتری پیدا کرد.

بر اساس استوانه کلاسیک نظریه گذار قدرت در نظم کنونی حاکم بر نظام بین المللی صرف نظر از ایالات متحده آمریکا که به عنوان قدرت مسلط در راس نظام قرار دارد، کشورهای دیگر در رده های بعدی این استوانه قرار می گیرند، روسیه به عنوان قدرت بزرگ در کنار کشورهای قبلی چین قرار می گیرد.

از نظرگاه سنجش قدرت، روسیه بر اساس آخرین آمار منتشر شده به لحاظ مجموعه عناصری که قدرت نظامی را تشکیل می دهد، پس از آمریکا در رده دوم جهانی قرار دارد (SIPRI, Yearbook 2020). مطابق با آمار موسسه سیپری^۱ بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ روسیه پس از آمریکا دومین صادر کننده بزرگ تسلیحات در جهان بوده است و مجموعاً ۲۳ درصد از کل صادرات این اقلام را به خود اختصاص داده است. مقصد تسلیحات صادراتی روسیه ۵۱ کشور جهان بوده است (SIPRI, Yearbook 2018). به لحاظ اقتصادی هم روسیه در دهه اول قرن بیست و یکم با توجه به رشد قیمت های جهانی نفت و گاز، رشد اقتصادی چشمگیر و موقعیت آن در اقتصاد جهان تقویت شد. این وضعیت ذخایر ارزی روسیه را در آن سالها به میزان چشمگیری افزایش داد. به طوریکه تولید ناخالص داخلی این کشور در عرض ۷ سال از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ چهار برابر شد و سبب شد این کشور در رده یازدهم بزرگترین اقتصادهای جهان قرار گیرد (World Bank, 2009). روسیه به لحاظ تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۱۹ در رده دهم جهانی قرار داشته است (World Bank, 2020) البته برخی

^۱. Stockholm International Peace Research Institute

تحلیلگران معتقد هستند، فقدان فناوری پیشرفته و اتکای شدید به صدور نفت و گاز و اینکه طرف‌های غربی مشتریان منابع خام این کشور هستند، تداوم رشد اقتصادی این کشور را به هنگام نوسانات قیمت‌های جهانی نفت و گاز و نوسان در روابط با کشورهای غربی با دشواری مواجه می‌سازد (Krickovic, 2017:301).

اگر موارد فوق را در کنار مساحت وسیع (رده نخست جهانی) و جمعیت روسیه (رده نهم جهانی) قرار دهیم این کشور به لحاظ عناصر قدرت در مجموع جایگاه مناسبی را در میان کشورهای جهان در اختیار دارد. بنابراین به لحاظ قدرت نسبی که از شاخص‌های اصلی نظریه گذار قدرت به شمار می‌رود از موقعیت خوبی برخوردار است. افزون بر موارد فوق برخی محققان بر آن هستند، صرف نظر از قدرت نظامی و در اختیار داشتن منابع و ذخایر انرژی که روسیه را به یک ابرقدرت انرژی در جهان تبدیل کرده است، عناصری همچون اهمیت سیاسی، قدرت فکری و قابلیت اعمال نفوذ در موضوعات بین‌المللی نیز این کشور را در سطح یک قدرت بزرگ در جهان نگاه داشته است (Kortunov, 2006).

برای بررسی و ارزیابی اهداف روسیه از تلاش برای تشکیل بریکس و ادامه عضویت در این مجموعه باید موقعیت و مواضع این کشور را در قبال نظم مستقر در نظام بین‌الملل را مورد توجه قرار داد. این موضوع در مواضع سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا به امروز خود را نشان می‌دهد. دیدگاه‌های گروه‌های مختلف در روسیه در قبال نظام بین‌الملل^۱ را در سه دسته می‌توان خلاصه کرد؛ لیبرال‌های حامی غرب، متوازن‌کننده قدرت‌های بزرگ، ملی‌گراها^۲. دیدگاه اول به وضوح روسیه را بخشی از غرب می‌پندارد و دیدگاه جهانی آن حامی جهانی شدن و قرار گرفتن دولت‌های دموکراتیک در برابر دولت‌های خودکامه است. منشاء فکری دیدگاه دوم، جهان چندقطبی و دارای رویکرد تمدنی است. تصویر مطلوب آن از روسیه قدرتی جهانی و قطبی بانفوذ در جهان چندقطبی است که معتقد است آمریکا تلاش دارد، جهانی تک‌قطبی را در مقابل یک جهان چندقطبی واقعی علم کند. دیدگاه سوم یعنی ملی‌گرایی از محافظه‌کاری قرن نوزدهم، اوراسیایی قرن بیستم و ژئوپلیتیک به سبک قدیم نشات می‌گیرد و اعتقاد دارد در سطح جهانی طرز تفکر هابزی

^۱ البته نویسندگان مختلف تقسیم‌بندی‌های مختلفی در این رابطه ارائه کرده‌اند، اما تقسیم‌بندی اخیر به سبب تناسب بیشترش با موضوع مقاله ترجیح داده شد.

^۲ Pro-west liberals, World Power Balancers, Nationalists

جنگ همه علیه همه، قدرت‌گرایی دریایی آنگلوامریکن^۱ در مقابل قلب جهان (هارتلند) تحت رهبری روسیه وجود دارد. تصویر مطلوب ملی‌گراها از روسیه، مرکز مستقل قدرت و دارای تمدنی متمایز و جدا از غرب است (کلایمان، ۲۰۱۵: ۲۱۸). می‌توان گفت از اواخر دهه نخست قرن بیست و یکم به این طرف آمیزه‌ای از دیدگاه‌های دوم و سوم در سیاست خارجی روسیه حاکم شده است.

به دلیل جایگاه روسیه و همچنین موقعیت جغرافیایی این کشور در آسیا و خاورمیانه، شاخص قدرت روسیه خود را در مواردی از جمله اجتناب‌ناپذیر بودن حضور و مداخله روسیه در جهت حل و فصل مناقشات و منازعات بین‌المللی و موضوعاتی نظیر افغانستان، بحران هسته‌ای کره شمالی و مساله هسته‌ای ایران بزرگ خود را نشان می‌دهد. به طوری که بدون مشارکت روسیه اینگونه مناقشات قابل حل و فصل نخواهد بود (Gvosdev, 2008: 6).

روسیه در صدد است با کمک بریکس وضعیت سابق قدرت بزرگ بودن خود را احیا نموده و موقعیت خود را در قبال سایر بازیگران جهانی بالا برد. فیدور لویانوف^۲، رئیس شورای پرنفوذ سیاست خارجی و دفاعی روسیه، تاکید دارد، بریکس در وهله اول یک گروه سیاسی برای پاسخ‌گویی به نیاز آشکار یک ساختار متنوع‌تر و کمتر غربی سیاست جهانی است. همچنین سرگئی لاوروف^۳، وزیر امور خارجه روسیه بارها خاطر نشان کرده است برای روسیه بریکس در درجه اول یک نهاد ژئوپلیتیک است (Sergunin, 2015: 3). ژئوپلیتیک را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد؛ ساختار نهادهای موجود قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی قرن بیست و یکم نیست، دستور کار بحث‌های جهانی باید از انحصار غرب خارج شود تا تصمیمات متخذه فراگیرتر باشد، نارضایتی از کاربرد نیروی نظامی از سوی ناتو در دوره پس از جنگ سرد، تقویت موقعیت ژئوپلیتیک بریکس از طریق یک ساختار جهانی تازه با توجه به واقع شدن کشورهای بریکس در نقاط مختلف دنیا، هویت‌یابی با ثبات در محیط سیاست جهانی برای روسیه، توان بریکس در جهت بالابردن همکاری‌های امنیتی بین‌المللی.

¹. Anglo-American

². Fidor Lukianov

³. Sergei Lavrov

سینتیا رابرتز^۱ استدلال کرده است، "دیپلماسی بریک" روسیه^۲ با هدف ایجاد یک "مضاعف سازنده"^۳ قدرت بوده است (Salzman, 2015). ایده این بود که مکانیزمی ایجاد شود تا تاثیر روسیه را درمجامع بین‌المللی افزایش دهد و بدین طریق نهادهای تثبیت شده پس از جنگ سرد که روسیه به هیچ وجه از آنها راضی نبود، مورد مذاکره مجدد قرار گیرد. این اهداف به وضوح در سخنرانی پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۷ دیده می‌شود؛ "مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای هند و چین در حال حاضر از آمریکا بیشتر است. تولید ناخالص داخلی برزیل، روسیه، هند و چین روی هم از اتحادیه اروپا بیشتر است. طبق نظر متخصصین این اختلاف و شکاف همچنان در آینده افزایش خواهد یافت" (New York Times /2007/02/11)

بنابراین تصادفی نبود که روسیه اولین نشست رسمی سران بریک را در سال ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ سیبری میزبانی کرد. از همان ابتدای تشکیل بریکس روسیه سعی کرد در موقعیت‌های مختلف از نشست‌های سران این مجموعه در جهت اهداف ژئوپلیتیک استفاده کند (Skak, 2019:155). ایده اولیه روسیه این بود، گروه بریکس را به عنوان ابزاری در جهت تقویت قدرت چانه‌زنی روسیه در برابر غرب به کارگیرد. با این حال با وقوع بحران اوکراین، بریکس برای روسیه به نماد و جایگزینی قابل اتکاء به جای همراهی مداوم با نظام بین‌الملل غرب‌مدار تبدیل شد (Toloraya, 2018:199).

بحران اوکراین هم از منظر شاخص قدرت و هم از نظرگاه شاخص رضایت در رابطه میان روسیه و نظام بین‌الملل قابل توجه است. این بحران همچنین نقطه عطف قابل توجهی در زمینه مواضع روسیه در قبال بریکس به شمار می‌رود. در بهار ۲۰۱۴ در منازعه اوکراین و ضمیمه کردن کریمه به خاک روسیه، کشورهای بریکس از اقدام روسیه در اوکراین حمایت نکردند، اما آن را محکوم هم نکردند. بریکس در این باره که به وضوح نقش روسیه را نشان می‌داد، سکوت کرد. در جنگ سوریه هم کشورهای بریکس از روسیه (حداقل به طور علنی) انتقاد نکردند. این مساله قابلیت استفاده از مجموعه بریکس را برای افزون سازی قدرت روسیه در سطح بین‌المللی به خوبی به رهبران این کشور نشان داد و سیاست خارجی روسیه

¹. Cynthia Roberts

². Russian BRIC Diplomacy

³. Multiplier

را متحول ساخت (Salzman, 2019). بدین ترتیب بریکس نقش برجسته‌تری را در سیاست خارجی روسیه پیدا کرده است و همکاری این کشور با بریکس به چارچوبی استراتژیک در راستای سیاست خارجی تبدیل شده است که برای تقویت موقعیت روسیه در امور جهان ضروری بوده است (Comersent, Oct. 2016).

این باور در میان پاره‌ای از صاحب‌نظران وجود دارد، روسیه همچون سایر اعضای بریکس تابعی از نظم کنونی است؛ بنابراین به طرح‌هایی که به منظور نظم جایگزین ارائه می‌شود، اعتقاد ندارد. البته این به معنای فقدان اختلاف جدی میان روسیه با اتحادیه اروپا و ناتو نیست. مجموع، بریکس برای روسیه محملی برای بازگشت به موقعیت قدرت بزرگ، حفظ این موقعیت، شکل‌دهی به نظم آتی جهانی و وادار کردن غرب به ویژه آمریکا به رعایت قواعد نظم مزبور است. البته از منظر روسیه هم تغییرات ساختاری و رویه‌ای باید به تدریج و به صورت محتاطانه انجام گیرد (Skak, 2019: 185-161). پس می‌توان گفت، شبکه بریکس در کنار سایر شبکه‌های کوچک‌تری که روسیه یا خود آنها را ایجاد کرده مثل اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ یا در ایجاد و بسط آنها سهم داشته مثل سازمان همکاری شانگهای در جهت نیل به اهداف بلندپروازانه روسیه مفید بوده است. ضمن اینکه باعث گردیده موقعیت آمریکا در نظام بین‌المللی تضعیف شود و قدرت روسیه را افزایش دهد.

از منظر شاخص رضایت، روسیه همچون کشورهای بریکس از بدو تشکیل این گروه در صدد اصلاح نهادهای حکمرانی جهانی به ویژه در بعد اقتصادی بوده است. مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به عنوان سلطه‌طلب مسلط و تلاش در جهت سوق دادن نظام بین‌الملل به سمت چندجانبه‌گرایی از اصلی‌ترین منویات روسیه و بریکس بوده است. روسیه مخالف انحصار تعیین دستور کار جهانی از سوی غرب است و آن را مانع شکل‌گیری ایده‌های جدید و راه‌حل‌های موثر و تصمیم‌گیری فراگیرتر در قبال مسائل و موضوعات بین‌المللی می‌داند (Sergunin, 2015: 4). در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ روسیه اعلام کرد که رهبری بدون قید و شرط آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسد و بر جایگاه قدرت بزرگ خود تاکید کرد. بدین ترتیب روسیه به عنوان ابرقدرت سابق که با ایالات متحده برابری می‌کرد، همچنان خود را رقیب جنگ سرد در نظر می‌گیرد.

^۱. Eurasian Economic Union

با وجود همه نقدهایی که از سوی روسیه نسبت به نظم موجود بین‌المللی وجود دارد این کشور با حضور و عضویت در مجامع و نهادهای نظم کنونی حاکم بر نظام بین‌المللی در عمل بر آنها مهر تایید زده است. افزون بر این در موضع‌گیری‌هایی که در اجلاس سران بریکس یا مواضع رهبران روسیه در سخنرانی‌های ایشان مشاهده می‌شود، آنها همواره محتاط بوده‌اند که لبه تیز حملات به سلطه‌گر مسلط و نظم حاکم بر نظام بین‌المللی مستقر را در حدی کنترل شده نگه دارند، چون نیک می‌دانند که در بهره‌برداری از مزایای نظم کنونی، در نهایت با وجود همه انتقادات و ملاحظات، خود جزئی از آن می‌باشند (Salzman, 2015:6).

بنابراین با در نظر گرفتن جمیع جهات، روسیه جزئی از نظم حاکم بر نظام بین‌المللی محسوب می‌شود و عنصر رضایت از نظم موجود به عنوان یکی دیگر از معیارهای اصلی نظریه گذار قدرت در مورد این کشور صدق می‌کند. با اینکه پاره‌ای محققین تلاش کرده‌اند، روسیه را با توجه به نقدهایی که بر پاره‌ای از نهادهای نظم موجود دارد به عنوان یک قدرت ناراضی از وضع موجود در نظر بگیرند (Lai, 2011:21)، حضور این کشور در نهادهای اصلی رسمی نظم موجود بین‌المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل و یا نهاد غیررسمی گروه ۲۰ که آمریکا هم به عنوان قدرت مسلط در این دو نهاد قرار دارد، نشان از آن دارد که این کشور را نمی‌توان به طور کامل در بخش خاکستری استوانه گذار قدرت که قدرت‌های ناراضی از نظم موجود را نشان می‌دهد، قرار داد.

از منظر شاخص رضایت، روسیه در موضوعات مربوط به شرق اروپا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به ویژه گسترش تدریجی ناتو به شرق و نزدیک شدن آن به مرزهای این کشور دغدغه‌مند بوده است. در این مقطع از منظر پژوهشگران غربی، روسیه به سبب وضعی که در قدرت این کشور در قیاس با هژمون حاکم پدیدار شده بود باید رویه‌ای مسالمت‌جویانه را دنبال می‌کرد. اما به هنگام احساس خطر شدید و نزدیک شدن ناتو به دروازه‌های شرقی این کشور و بروز انقلاب‌های مخملی در گرجستان و اوکراین، روسیه با قاطعیت با این موارد مواجه شد و نیروهای نظامی خود را برای بدست گرفتن کنترل اوضاع به این مناطق اعزام کرد.

مشخص است که روسیه سیاست‌های خود در قبال بریکس را در خلاء دنبال نمی‌کند و واکنش دیگر اعضای بریکس در موفقیت یا شکست درازمدت در دستیابی به اهداف این کشور و این که چگونه بریکس متحول می‌شود، اهمیت دارد. مهم‌ترین موضوع در این رابطه

نقش و درجه ضدغرب‌گرایی در بریکس هم به عنوان انگیزه همکاری و حتی گاهی به عنوان فلسفه وجودی است. یکی از موارد شاخص رضایت را می‌توان در روابط تجاری و سرمایه‌گذاری روسیه با سایر اعضای بریکس مورد ارزیابی قرار داد. چون تجارت و سرمایه‌گذاری موضوع مهمی در روابط میان کشورها محسوب می‌شود و می‌تواند تاثیر زیادی بر سایر بخش‌های روابط داشته باشد. بررسی آمار صادرات و واردات روسیه نشان می‌دهد به جز چین، هیچیک از دیگر اعضای بریکس در میان شرکای اصلی تجاری روسیه قرار ندارند. جدول زیر مهم‌ترین شرکای روسیه را به لحاظ صادرات محصولات این کشور نشان می‌دهد:

جدول شماره (۲). ده شریک اول صادرات روسیه در سال ۲۰۱۹

کشور	میلیارد دلار	درصد از کل صادرات
چین	۵۶,۸	۱۳,۴
هلند	۴۴,۸	۱۰,۴
آلمان	۲۸	۶,۶
ترکیه	۲۱	۵
بلاروس	۲۰,۵	۴,۹۵
کره جنوبی	۱۶,۳	۳,۸
ایتالیا	۱۴,۳	۳,۳۶
قزاقستان	۱۴	۳,۳۴
انگلیس	۱۳,۲	۳,۱۱
آمریکا	۱۳	۳,۰۹

Source: UNComtrade, 2020

بر اساس آمار سال ۲۰۱۹، بیشترین واردات این کشور در سال مزبور به ترتیب از چین، آلمان، بلاروس، آمریکا و ایتالیا بوده است. جدول زیر شرکای اصلی وارداتی روسیه در زمینه واردات در سال ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳). ده شریک اول روسیه در زمینه واردات در سال ۲۰۱۹

کشور	میلیارد دلار	درصد از کل واردات
چین	۵۴	۲۱
آلمان	۲۵	۱۰
بلاروس	۱۳,۶	۵,۵۲
آمریکا	۱۳,۴	۵,۴۳
ایتالیا	۱۱	۴,۴
ژاپن	۹	۳,۶۲
فرانسه	۸,۶	۳,۴۷
کره جنوبی	۸	۳,۲۳
قزاقستان	۵,۷	۲,۳۱
لهستان	۵	۲

Source: UNComtrade, 2020

بر اساس آمار منتشر شده از سوی "کومتريد"^۱، صادرات روسیه به کشورهای بریکس در سال ۲۰۰۹ به میزان ۲۴ میلیارد دلار بوده است. این رقم در سال ۲۰۱۹ به ۶۷ میلیارد دلار رسیده است. در طرف مقابل ارزش واردات روسیه از کشورهای بریکس از ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ به ۶۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است (UN Comtrade, 2019). تفکیک صادرات روسیه در سال ۲۰۱۹ به کشورهای بریکس بدین شرح می‌باشد، چین ۵۶,۸ میلیارد دلار، هند ۷,۳ میلیارد دلار، برزیل ۲,۴۵ میلیارد دلار و آفریقای جنوبی ۲۸۰ میلیون دلار. در سال مورد بررسی، واردات روسیه به کشورهای مزبور به ترتیب ۵۴ میلیارد دلار، ۳,۹ میلیارد دلار، ۲,۱ میلیارد دلار و ۸۲۷ میلیون دلار بوده است (Statista, 2020).

^۱.United Nations Comtrade Database

جدول شماره (۴). تجارت روسیه با بریکس در سال ۲۰۱۹
(میلیارد دلار)

کشور	صادرات روسیه	واردات روسیه
چین	۵۶,۸	۵۴
هند	۷,۳	۳,۹
برزیل	۲,۴۵	۲,۱
آفریقای جنوبی	۲۸۰ میلیون دلار	۸۲۷ میلیون دلار

Source: UNComtrade, 2020

در سال ۲۰۰۸ پیش از اولین نشست سران بریکس، ارزش سرمایه‌گذاری انجام شده از سوی چین در روسیه به میزان ۳۹۵ میلیون دلار بوده است. این رقم در اوج خود در سال ۲۰۱۵ به حدود ۳ میلیارد دلار افزایش یافت. براساس آخرین آمار موجود در سال ۲۰۱۸ رقم سرمایه‌گذاری مستقیم چین در روسیه ۷۲۵ میلیون دلار بوده است. بر روی هم میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام شده از سوی چین در روسیه در ۱۱ سال منتهی به سال ۲۰۱۸ به میزان ۱۱ میلیارد دلار بوده است. سایر کشورهای عضو بریکس در روسیه سرمایه‌گذاری قابل توجهی نداشته‌اند (Statista, 2020).

براساس آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی روسیه، ارزش مجموع سرمایه خارجی مستقیم جذب شده توسط این کشور در سال ۲۰۱۴ به میزان ۲۲ و در سال ۲۰۱۸ به میزان ۸,۸ میلیارد دلار بوده است. مطابق با آمار سازمان همکاری اقتصادی برای توسعه^۱ در میان کشورهای بریکس بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ روسیه به لحاظ جذب سرمایه مستقیم خارجی پس از چین، برزیل و هند در رده چهارم قرار داشته است. میزان سرمایه جذب شده از سوی این کشور در ۱۱ سال مذکور مجموعاً حدود ۳۳۰ میلیارد دلار بوده است (OECD, 2020).

همانطور که آمار روابط تجاری و سرمایه‌گذاری روسیه نشان داد، صرفنظر از چین سایر کشورهای بریکس به لحاظ تجارت و سرمایه‌گذاری در رده‌هایی پس از تعدادی از کشورهای دیگر که در زمره متحدان آمریکا به عنوان قدرت مسلط و در رده کشورهای قرار می‌گیرند که از نظم موجود رضایت دارند. بنابراین با توجه به شرایط اقتصادی و تجاری روسیه به عنوان

^۱. Organization of Economic Cooperation for Development (OECD)

کشوری که به صادرات مواد خام به ویژه نفت و گاز اتکا دارد و تعداد قابل توجهی از متحدان اصلی آمریکا در زمره مشتریان محصولات آن قرار دارند این کشور حتی اگر هم بخواهد نمی‌تواند، روابط تجاری و سرمایه‌گذاری خود را با کشورهای نظیر آلمان، ژاپن، ایتالیا و هلند که از متحدان آمریکا به عنوان قدرت مسلط بر نظم موجود محسوب می‌شوند، نادیده بگیرد و این وضعیت لااقل تا آینده قابل پیش‌بینی متصور نیست

نتیجه‌گیری

مجموعه بریکس می‌تواند به عنوان یک موجودیت مهم ژئوپلیتیک در قرن حاضر در نظر گرفته شود. آنچه اعضای این گروه در آن اشتراک نظر دارند، ضرورت کاهش قدرت آمریکا در حکمرانی نهادهای مدیریتی جهانی است. به همین سبب، اعضای بریکس می‌توانند برای رسیدن به این هدف با هم همکاری کنند و مواضع خود را در این مسیر هماهنگ سازند. به دلیل حضور روسیه و چین در این گروه که قدرت‌های نظام مستقر بین‌المللی محسوب می‌شوند، نمی‌توان بریکس را مجموعه‌ای برای تغییر نهادهای حکمرانی جهانی دانست. از سوی دیگر سایر اعضای گروه با آرمان بهبود بخشیدن به موقعیت خود در سلسله مراتب جهانی، سودای اصلاح نهادهای بین‌المللی موجود را دارند. بنابراین چنین به نظر می‌رسد با وجود پاره‌ای از مطالب طرح شده در مفاد بیانیه‌های پایانی اجلاس سران در سال‌های مختلف مبنی بر لزوم انجام اصلاحاتی در ساختار حکمرانی جهانی، حداقل در بعد امنیت بین‌المللی، بریکس در صدد اصلاح کلی ساختار نظام بین‌المللی نمی‌باشد و صرفاً در رابطه با نهادهای اقتصادی بین‌المللی خواستار اصلاح شیوه مدیریتی آنان و مشارکت تقویت یافته اعضای خود در آنها است.

در پاسخ به پرسش اصلی مقاله می‌توان گفت این مجموعه نمایان‌گر کاهش قدرت و نفوذ آمریکا به عنوان قدرت هژمون در جهان است با این حال، هیچ قدرتی به تنهایی جایگزین آمریکا به عنوان قدرت هژمونیک برتر جهانی نیست. شرایط موجود به گونه‌ای است که آمریکا با اختلاف قدرتی قابل توجه از سایر کشورهای بزرگ از جمله اعضای بریکس قرار دارد. بنابراین نکته قابل تصور این است در شرایط کنونی، هم‌اوردی در برابر آمریکا تنها توسط یک مجموعه امکان‌پذیر است و بریکس مجموعه و گروهی است که با توجه به قابلیت‌هایی که دارد در جهت تعدیل نظم موجود حرکت کرده است و در این

مسیر کامیابی‌هایی هم در زمینه افزایش نقش مدیریتی خود در نهادهای اقتصادی بین‌المللی داشته است. مجموعه بریکس ضمن افزایش نفوذ و سهم خود در نهادهایی نظیر صندوق بین‌المللی پول با ارائه موضوعاتی برای گنجاندن در دستور کار گروه ۲۰ از به انحصار غرب درآمدن دستور کار گروه ۲۰ جلوگیری کرده‌اند. همچنین با افزایش قدرت نسبی کشورهای بریکس در برابر قدرت‌های غربی در دو دهه نخستین قرن بیست و یکم، هریک از اعضای آن به کانون اصلی قدرت در مناطق خود تبدیل شده‌اند و با بیشنیه سازی قدرت خود نظام بین‌المللی را از تمرکز قدرت در یک نقطه به سوی مراکز مختلف قدرت سوق داده‌اند.

در پاسخ به پرسش فرعی مقاله درباره هدف روسیه از تشکیل بریکس و چرایی اهمیت آن برای روسیه، هدف مسکو در سال ۲۰۰۶ به هنگام نضج‌گیری اندیشه تشکیل گروه بریکس، تقویت موضع این کشور و افزایش دادن قدرت این کشور، بود. بریکس افزون بر عنصر افزایش‌دهنده قدرت برای روسیه به عنوان مجمعی متشکل از بازیگران قدرتمند در حال صعود در چرخه قدرت نظام بین‌الملل بوده است که می‌تواند در برابر هژمونی غرب توازن لازم را ایجاد کند. همچنین بریکس توانست همکاری روسیه با چین را افزایش دهد. البته تحولات پس از تشکیل بریکس و بریکس با کاهش رشد اقتصادی روسیه و برزیل، کاملاً مطابق میل پوتین پیش نرفت. اما در سال ۲۰۱۴ و با ضمیمه کردن شبه جزیره کریمه به خاک خود، روسیه که در سطح بین‌المللی منزوی شده بود، بریکس برای این کشور به منزله تکیه‌گاهی بود که در برابر هجوم سردمداران و مقومان نظم موجود بین‌الملل توانست از روسیه حمایت کند. به عبارت دیگر پس از بحران اوکراین بریکس به ابزاری برای روسیه برای مقابله با نظم مستقر تبدیل شده است.

در مجموع، بریکس بدون روسیه بریکس قابل تشکیل نبود و پس از تشکیل این گروه، هدف اولیه روسیه با اهداف دیگر اعضای بریکس تلاقی کرد. هدف هریک از اعضاء هرچه بود، برآیند عضویت آنها در بریکس بیشینه کردن صدای آنها در صحنه بین‌المللی بدون چالش مستقیم با هژمون مسلط بوده است. بنابراین بریکس هم یک طرح ضد هژمونیک و هم نتیجه منطقی تغییر اقتصاد سیاسی جهانی و البته برای روسیه اهمیت انگیزه‌های سیاسی بیش از انگیزه‌های اقتصادی بوده است. بدین ترتیب بریکس به عنوان یک گروه سیاسی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هم نشانه نحوه مواجهه روسیه با غرب پس از جنگ سرد در جهت تقویت موقعیت از دست‌رفته این کشور در نظام بین‌المللی و هم نشانه یک پاسخ

چندکشوری به کهنه شدن سیستم حکمرانی اقتصادی جهانی در جهت تعدیل آن بوده است. تلاقی اهداف اعضای این مجموعه در راستا تعدیل نظم جهانی و سوق یافتن آن به نظامی چندکانونی و چند مرکزی در دهه‌های آغازین قرن حاضر خود را نشان می‌دهد.

منابع و مأخذ

- کلای مان، آ. (۱۳۹۶)، *قدرت‌های بزرگ و ژئوپلیتیک*، ترجمه مهناز محمدی زادگان، شورای راهبردی روابط خارجی.
- Arbetman, M. and Kugler, J. (1997), *Political Capaacity and Economic Behavior*, Available at: <https://www.amazon.com.au/dp/0813333644>, Accessed on: 27 Sep, 2020.
- Ayres, A. (2016), "How the BRICS Got Here", *Council on Foreign Relations*, Available at: <https://www.cfr.org/expert-brief/how-brics-got-here>, Accessed on: 27 Sep, 2020.
- BRICS (2018), "President Cyril Ramaphosa, State of the Nation Address, 16 February 2018", Available at: <https://www.tralac.org/documents/resources/external-relations/brics/2016-brics-fact-sheet-2018/file.html>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- BRICS(2019), "BRIC Joint Statement and Declararations, 2009-2019", Available at: <http://www.brics.utoronto.ca/docs/090616-leaders.html>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Cole, D.B. and Van, J. (2014), "Martin van Buren and the American Political System", *Google Books, Princeton University Press*, Available at: https://books.google.com/books?id=vqz_AwAAQBAJ&pg=PA153&dq=Jackson+Van+2014+article&hl=en&sa=X&ved=2ahUKEwjOjNuhh4nsAhXsURUIHfaHDDkQ6AEwAHoECAAQAg#v=onepage&q=Jackson%20Van%202014%20article&f=false, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Deutsche Welle (2015), "News and Current Aaffairs from Germany and around the world", Available at: <https://www.dw.com/en/top-stories/s-9097>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Dicicco, J. (2017), "Power Transition Theory and the Essence of Revisionism", *Oxford Research Encyclopedia of Politics Introduction and Overview*, Available at: <http://www.acsu.buffalo.edu/~fczagare//DiCicco%20PT%20and%20> Accessed on: 27 Sep.2020.
- DiCicco, J.M. and Levy, J.S. (1999), "Power Shifts and Problem Shifts", *Journal of Conflict Resolution*, 43(6), pp.675–704.
- Firanchuk, A. and Knobel, A. (2020). "Russia's Foreign Trade in 2019: Preliminary Results." *SSRN Electronic Journal*.
- Geopolitica (2016), "South Africa: Geopolitical Profile", Available at: <https://www.geopolitica.ru/en/article/south-africa-geopolitical-profile>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Global(2020), "Global Business and Knowledg"(2020), Available at: <https://globaledge.msu.edu/search?q=brics+trade#gsc.tab=0&gsc.q=brics%20trade&gsc.page=1>, Accessed on: 27 Sep. 2020.

- Harding, N., McDonald, J. and Waddington, T. (1997), "Nicholas Harding": 6 February - 4 March 1997. London: Theo Waddington Fine Art Ltd. <https://www.tralac.org/documents/resources/external-relations/brics/2016>.
- investopedia.com, (2020), Available at: <https://www.investopedia.com/2020-predictions-for-the-global-economy-markets-and-investors-4780156>, Accessed on: 23 Oct. 2020.
- Karaganova, s (2017), "a New World Order - A View from Russia" - *CIRSD*, Available at: <https://www.cirsd.org/en/horizons/horizons-winter-2019-issue-no-13/a-new-world-order-a-view-from-russia>, Accessed on: 27 May 2019.
- Kim, W. (1991), "Alliance Transitions and Great Power War" *American Journal of Political Science*, 35(4), p.833.
- Kim, W. and Gates, S. (2015), "Power Transition Theory and the Rise of China", *International Area Studies Review*, 18(3), pp.219–226, Available at: <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/2233865915598545> Accessed on: 19 Oct. 2019.
- Kugler, J. and Tamen, R. (2011), "Regional Challenge: China's Rise to Power", Available at: <https://apcss.org/Publications/Edited%20Volumes/RegionalFinal%20chapters/Chapter4Kugler.pdf>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Kugler, J., Vanderbib, University and Organski, A.F.K. (2011), CHAPTER 7 "the Power Transition: A Retrospective and Prospective Evaluation", www.semanticscholar.org. Available at: <https://www.semanticscholar.org/paper/CHAPTER-7-The-Power-Transition-%3A-A-Retrospective-Kugler-Vanderbib/e6ff525f7fbff699392b775d035070496893ffa1>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Lahneman, W.J. (2003), "Changing Power Cycles and Foreign Policy Role-power Realignment: Asia, Europe, and North America", *International Political Science Review*, 24(1), pp.97–111.
- Lemke, D. (1997), "the Continuation of History: Power Transition Theory and the End of the Cold War", *Journal of Peace Research*, 34(1), pp.23–36.
- Liao, H. (2014), "State Dissatisfaction: Predicting the Occurrence of Interstate War," *Asian Politics & Policy*, 6(2), pp.217–236.
- Mette, S. (2019), "Russia and the BRICS", *The International Political Economy of the BRICS*, pp.150–164.
- "New York Times"(2007), <https://www.nytimes.com>
- "Organisation of Economic Cooperation for Development" (2020), Available at: <https://www.oecd.org/general/searchresults/?q=invesment%20in%20russia&cx=012432601748511391518:xzeadub0b0a&cof=FORID:11&ie=UTF-8>, Accessed on 27 Sep.2020.
- Salzman, Rachel (2019), *Russia, BRICS and the Disruption of Global Order*.

- Washington, DC: Georgetown University Press, Available at: <https://books.google.com/>, Accessed on 27 Sep.2020.
- Salzman, R.S. (2015), "De puente a Fortaleza: la evolución de los países BRICS en la estrategia global de Rusia", *Comillas Journal of International Relations*, (3), pp.1-13. Available at: <https://pdfs.semanticscholar.org/9ba0/dd09b223bb72db9b5722a5771674a975d6c4.pdf>, Accessed on: 23 Oct. 2020.
- Sergunin, A. (2015), "Understanding Russia's policies towards BRICS: theory and practice", Available at: <http://web.isanet.org/Web/Conferences/GSCIS%20Singapore%202015/Archive/55c376c8-7911-42be-b13d-22867ff8ea2a.pdf> Accessed on: 23 Oct. 2020.
- Silver, C. (2020), "The World's Top 20 Economies", *Investopedia*, Available at: <https://www.investopedia.com/insights/worlds-top-economies/> Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) "Year book of Peace and Security" (2018), , Available at: <https://www.sipri.org/> Accessed on: 27 Sep. 2020.
- Skak, M (2018), "Russia and the BRICS: 'On the Actual Performance of a 21st Century Great Power Concert'", *The BRICS as an Emerging Power: Myth or Reality?*, Aalborg Universitet, Aalborg , Denmark.
- "statista.com" (2020), Available at: <https://www.statista.com/studies-and-reports/regions-and-countries>, Accessed on: 23 Oct. 2020.
- Tommen R. , Kugler J. and D. (2017), "Power Transition Theory", *oxford Bibliographies*, Available at: <https://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo-9780199743292/obo-9780199743292-0038.xml>, Accessed on 27 Sep.2020.
- Toloraya, G. (2018), "The BRICS for Better Global Governance", *BRICS and Global Governance* ", pp.187-207.
- "World Investment Report" (2019), *UNCTAD*, Available at: <https://unctad.org/en/Pages/Home.aspx>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- "World Economic Forum Annual Meeting" (2017), Available at: <https://www.weforum.org/events/world-economic-forum-annual-meeting-2017>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- World Bank,(2018)"World Development Indicators Database" "Country Indicators" (2018), *Data*, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- World Bank,(2018)"World Development Indicators Database" "Country Indicators" (2018), *Data*, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator>, Accessed on: 27 Sep. 2020.
- www.worldmeters.info,(2020), , Available at: [https://www.google.com/search?q=www.worldmeters.info%2C\(2020&oq=www](https://www.google.com/search?q=www.worldmeters.info%2C(2020&oq=www)

worldmeters.info%2C(2020&aqs=chrome..69i57j0i22i30j0i390i2.164717j0j9&sourceid=chrome&ie=UTF-8, Accessed on: 27 Sep. 2020.